

رضا عباسی

نازی فاطمی مجد^۱

رضا عباسی در دربار شاه عباس با صادق بیگ که ایشان هم نگارگر چیره دستی بودند، رقابت زیادی داشت، این دو نگارگر به نسبت واقع‌گرایانه بهزاد وفادار بوده و علاقه زیادی به کشیدن تصاویر واقعی از مردم و مسائل موجود در جامعه داشته‌اند که مورد قبول دربار نبود. در این میان رضا عباسی تمایل خود را به مشاهده وقایع و ثبت آن‌ها با طراحی سپاه قلم و ترسیم تک چهره و تک نگاره نشان داد. هم چنین بعد از مولانا شیخ محمد سبزواری، وی به رواج صورت‌فرنگی در ایران پرداخت.

نشیوه‌های کار: موضوعات اصلی نگاره‌های او افراد فقیر و غنی بودند. او برای القای حرکت از خطوط باریک و پهن استفاده می‌کرد، هم چنین افراد در صحنه اغلب دارای مشته‌های گره کرده، دستار لغزان و شال‌رها بودند. از جمله موضوعات جدیدی که او ابداع کرد تک چهره نگاری زنان و افراد در حال مراقبه بود، البته در آثار او بیشتر افراد میان سال بودند. اهمیت نگاره‌های وی نگاه تیربینانه و زیرکانه او نسبت به جامعه و افراد آن دوران بود که وقایع اجتماعی و ذهنیت خود را روی یک برگ به تصویر می‌کشید. بسیاری از آثار وی که او پس از فوت شاه عباس ترسیم کرده، شامل تک چهره نگاری

رضا پسر علی اصغر از نگارگران دربار شاه اسماعیل بوده که در قرن ۱۰ هـ ق در تبریز متولد شد. در سال ۵۹۹ هـ ق به جمع نگارگران دربار شاه عباس پیوست. در طرحی متعلق به سال ۹۹۱ هـ ق وی خاطر نشان می‌کند، از شاگردان مکتب شیخ محمد (نگارگر دربار شاه تهماسب) است، ولی بعدها خود یک شیوه مستقل ایجاد کرد. شاه عباس چون خود نیز هنرمند و اهل هنر بود و نقاشی را به صورت تفریحی انجام می‌داد، به همین خاطر در این دوره هنر به عالی‌ترین درجه کمال رسید. نظر مورخان درباره‌ی تاریخ زندگی رضا عباسی متفاوت است. برای مثال بنا به نوشته دیمانند تاریخی زندگانی رضا عباسی بین سال‌های ۹۹۶-۱۰۳۸ هـ ق است. با توجه به این متن سن ایشان را می‌توان ۴۲ سال دانست، اما به نظر می‌رسد عمر این هنرمند بیشتر از ۴۲ سال باشد هر چند تاریخ دقیق زندگانی او را نمی‌توان بیان کرد، همین قدر کافی است که بدانیم او از نگارگران عهد صفوی بوده و سبک هنری خاصی را ابداع کرده است. بسیاری از آثار او زینت‌بخش موزه‌هایی مانند: بوستون، آرمیتاژ و متروپولیتن است. بخشی از آثار وی و شاگردانش در موزه رضا عباسی می‌باشد. در آثار اولیه‌ی وی، هنر شیخ محمد را به خوبی می‌توان دید.

شده می‌توان دو استاد مشهور را نام برد: ۱) محمدحسین تبریزی
۲) علاییگ

محمدحسین خوشنویس معروف و اهل تبریز بود که استاد میر
عماد هم بوده است. بعد از ورود او به دربار شاه عباس در اصفهان،
رضا نیز به پیروی از او تبریز را ترک گفته و به اصفهان رفت.
علاییگ نیز مانند محمدحسین اهل تبریز بوده و در کار نقاشی و
خطاطی مهارت داشته است.

شاگردان: پس از فوت وی در سال ۱۰۴۴ هـ.ق سبک او
توسط نقاشانی چون محمدقاسم، یوسف و محمدعلی ادامه یافت.
در این میان او شاگردی داشت که وفادارترین شاگرد در عین حال
مسئول‌ترین بود، نام این هنرمند معین مصور بود که این هنرمند با
برداشتی شخصی از کار استاد برخلاف دیگر شاگردان پیرو رضا
عباسی بود. اگر چه حالت اندام‌های نگاره‌های معین به استثنای
حالت چشم و دهان یادآور حالت اندام‌ها در نگاره‌های رضا عباسی
است به عوض شیوه اجرای آسمان طوفانی در آثار معین مصور معرف
آثار اوست. معین مصور بیش از دیگران به معیارهای نگاره‌های ایرانی
پای‌بند بود. هم چنین تصویری که از رضا عباسی توسط معین مصور
موجود است بیان‌گر نزدیکی این هنرمند به استاد و علاقه او به وی
بوده است. بر این اساس دو تصویر از رضا عباسی موجود است که
دارای دو متن متفاوت می‌باشد که یکی در مجموعه پاریس واتسن و
دیگری در کواریچ لندن می‌باشد.

کتابشناسی:

- ۱) دکتر خواجه عبدالرشید، معرفی ۳ اثر منتشر نشده از رضا عباسی، مجله
هنر و مردم، سال ۱۳، ش ۱۴۹، صفحه ۲۸-۲۰.
- ۲) پاک‌باز، روبین، ۱۳۷۹، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: نشر
نارستان.
- ۳) کن‌بای، شیلار، ۱۳۷۸، نقاشی ایران، ترجمه مهدی حسینی، تهران:
دانشگاه هنر.
- ۴) کارنامه بزرگان ایران، نشریه اداره کل انتشارات و رادیو
- ۵) بهنام، عیسی، نقاشی در دوران پادشاهان صفوی، مجله هنر و مردم،
شماره ۶۸-۶۷، صفحه ۱۳-۷.

6- Maslenitsina, S. 1975, Persian Art, P 118.

بوده که تعداد افراد حاضر در صحنه بسیار کم بوده و اندازه اندام‌ها
و نقاشی را در چهارچوب یک کادر محدود می‌کرد. آثار جدیدتر رضا
عباسی در سال ۱۰۲۸ هـ.ق که ارتباط دربار صفوی با غرب فزونی
گرفت بیشتر شخصیت پردازی و موضوعات معاصر مانند: معشوقی
که بر روی زانوی عاشقی نشسته، را در برمی‌گرفت. با این حال او
از هنر پرسپکتیو و سایه روشن غرب تقلید نکرده است. در هر حال
می‌توان گفت نگاره‌های قبل از وی بیشتر جنبه تزئینی داشته و به
حالات و حرکات افراد کمتر توجه می‌شده، این در حالی است که
موضوع عمده نگاره‌های وی توجه به حالات افراد مختلف و وضعیت
آن‌ها در جامعه بود. هم چنین در سبک رضا عباسی خط بیش از رنگ
اهمیت داشته به طوری که با ایجاد چند حرکت در قلم‌مو تصاویر
زیبایی ایجاد می‌کرده است.

لقب: در مورد لقب این هنرمند در منابع چنین آمده: نام عباسی
را نمی‌توان لقب وی از سوی شاه دانست زیرا درست است که
شاهزادگان ایرانی القاب افتخاری به نزدیکان خود می‌داده‌اند ولی
نام خود را بر آن‌ها نمی‌نهادند. در دیگر منابع اشاره به لقب عباسی
به عنوان یکی از القاب امامان شده و بیان شده، همان طور که نام
حسینی، حسینی و جعفری بیان‌گر اصل و نسب صاحب اسم است
و معمولاً آن‌ها را منسوب به خاندان پیامبر می‌دانند، عباسی را نیز
منسوب به اخلاف حضرت عباس فرزند علی می‌دانند. هم چنین در
کتاب نگاهی به نگارگری ایران این طور آمده است: لقب آقا به علت
کهن‌سالی رضا عباسی در اواخر عمر به او داده شده است. در هر حال
در مورد القاب وی بحث‌های فراوانی است که در مقاله‌های بعد به
آن خواهیم پرداخت.

امضاء: با توجه به آثار موجود می‌توان گفت امضاء وی در آثار
اولیه به شکل رضا عباسی آمده، این در حالی است که امضاء او در
آثار متأخرتر و زمانی که او از دربار ترد شده بود فقط رضا بود، بدون
استفاده از لقب عباسی. ویژگی دیگر امضاء او این بود که کلمه رضا
به صورت پیوسته (ر به ض وصل می‌شد و حالت سرهم داشت)
می‌آمد.

استادان: از جمله اساتید وی که در منابع نیز به آن‌ها اشاره